

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی

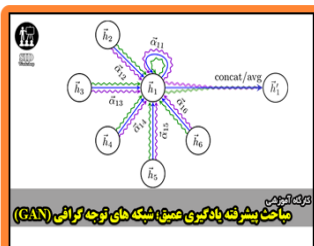


عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

نامه به سردبیر

نقد کتاب: تاریخ مصور پزشکی جهان از کهن‌ترین روزگاران تا دوران معاصر

دکتر فرخ سعیدی*

آنچه در نگاه اول به هشت جلد این کتاب که با سلیقه صحافی شده‌است، جلب نظر می‌کند، بزرگی کار است. تألیف و ترجمه کتابی در این ابعاد کار آسانی نیست و بی‌گمان نگارش آن چندین سال به درازا کشیده است. همین واقعیت میزان دقت و زحمت و حوصله مؤلف را می‌رساند. منصفانه باید همت و پشتکار دکتر ولی‌الله محرابی، استاد جراحی اطفال دانشگاه تهران را ستود. انتشارات دایره‌المعارف تاریخ پزشکی هم مجموعه‌ای زیبا و نفیس در شأن یک ناشر معتبر و مناسب با یک اثر فرهنگی - ادبی - علمی عرضه کرده‌است.

اما چه نقدی می‌توان بر محتوای کتاب آورد؟

ما ایرانی‌ها معمولاً از هر اثری که از خودمان نباشد انتقاد می‌کنیم چون مشکل‌پسند هستیم و در ایراد گرفتن بسیار ماهر. بجاست که بجای سرکوب غیرمنصفانه یا تعریف و تمجید بی‌کران از کتاب، ایرادهایی که می‌توان به آن گرفت یکایک برشمرده و پاسخی برای آنها مطرح نمود:

۱- به نظر می‌رسد که نظمی در کار نیست.

با مرور همان چند صفحه از هر یک از هشت جلد، خواننده احساس می‌کند که روند مطالب با آنچه انتظار داشت متفاوت است. تصور خواننده بر این است که جلد اول از دوران ماقبل تاریخ شروع می‌شود و جلد هشتم انحصاراً به قرن بیستم مربوط می‌گردد و این روندی است که بیشتر کتب تاریخ از آن تبعیت می‌کنند. هر چه باشد، تاریخ یعنی بیان مطالب گذشته تا به امروز به مانند داستانی که آغاز و پایان مشخصی دارد. پس انتظار می‌رود که نویسنده ما را به گذشته برگردانده و سپس قدم به قدم به امروز برساند. اما باید در نظر داشت که این کتاب به بخش‌های جداگانه‌ای تقسیم شده‌است و در هر بخش داستان یک رشته پزشکی از اول تا آخر آمده است. غیر از این هم نمی‌توانست باشد زیرا سیر تاریخی دگرگونی‌های بخش‌ها متفاوت است. به عبارت دیگر عملاً امکان نداشت که بتوان تمام بخش‌ها را با همزمان جلو برد.

۲- شمار "بخش‌ها" زیاد است.

این ایراد هم وارد نیست بلکه از محسنات کتاب است که همه بخش‌ها، منجمله دام پزشکی و طب سوزنی و فیزیوتراپی هم پروارنده شده‌اند. حتی یک بخش جداگانه هم به سیر تاریخی تشکیلات بیمارستانی اختصاص داده شده است. دکتر محرابی یک پا فراتر رفته و بخش‌ها را بر اساس اعضاء بدن یا بیماری‌های مهم دسته‌بندی کرده است. به طور نمونه، بلافاصله پس از بخش ۶۴ که سیر بیماری‌های ریوی باشد، بخش ۶۵ مربوط می‌شود به سیر بیماری سل. پس نه تنها شمار بخش‌ها زیاد نیست بلکه به گونه‌ای یک نظم و نظامی هم مراعات شده است.

۳- آخرین بخش کتاب که "سیر تاریخ طب دانشگاهی در ایران" باشد ناقص است.

این ایراد تا اندازه‌ای وارد است. از یکسو می‌توان گفت که اگر گذشتگان ما ستارگان درخشانی در آسمان تاریخ پزشکی بودند، طی هفتاد سالی که از تأسیس اولین دانشگاه در ایران می‌گذرد، ما شاهد آنچنان پیشرفت علمی یا کشفی در جامعه پزشکی خود نبودیم. هنر ما در اقتباس بوده‌است نه ابتکار. گذشته درخشان ما در عالم پزشکی به کنار، بر اساس چه معیاری می‌توانیم سهمی از دگرگون‌های تاریخ معاصر پزشکی برای خود قائل شویم؟

گوئی برای دکتر محرابی مشکل بود به آنچه طی همین چند دهه اخیر در ایران در عرصه پزشکی رخ داده‌است اشاره‌ای نکند. اما در آن صورت، چگونه می‌توانست نام خدمت‌گزارانی به مانند دکتر امیراعلم که تنها یکی از خدمات آن رادمرد تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران بود از قلم بیاندازد؟

۴- تصویرهای کتاب نامناسب هستند.

بر عکس، به نظر من شمار و گونه‌های تصویرهای کتاب بسیار مناسب و جالب می‌باشند. نه تنها به خواننده کمک می‌شود که دگرگونی‌های تاریخی را بهتر درک کند بلکه متوجه می‌شود که برخی از پیشکسوتان نامی دانش پزشکی تا چه اندازه، به اصطلاح عامیانه امروز، پرت بودند یعنی مرتکب اشتباهات بزرگی شده بودند. آیا همین امر نباید خواننده را به این نتیجه برساند که امروز هم ممکن است ما مرتکب اشتباهات بزرگی در تعبیرات خود شویم؟ خوشحالم که بسیاری از تصویرها مربوط می‌شوند به طبابت در کشورهای شرقی به ویژه ایرانی، هر چند به پیشکسوتان عربی منسوب شده‌اند که از کنترل دکتر محرابی خارج است.

۵- معلوم نیست معیار انتخاب مشاهیر تاریخ چه بوده است؟

این ایراد را می‌پذیرم. برایم روشن نبود که چرا بیشتر مشاهیر انتخاب شده آلمانی تبار هستند. تا اینکه متوجه شدم، همانطور که تصریح شده است، ترجمه از منابع آلمانی انجام گرفته است. در این مجموعه نام "هومر" حماسه‌آفرین یونانی را می‌توان پذیرفت چون در کتاب "یلیاد" وی مکرر به درمان زخم‌ها اشاره شده‌است. اما معلوم نیست که چرا نام "هرودوت" مورخ یونانی باستانی باید در فهرست مشاهیر پزشکی گنجانده شود. "داروین" را هم نمی‌توان از مشاهیر پزشکی دانست و همچنین لرد "بیکن" را.

ذکر حجامت (صفحه ۳۷۱۱) هم موجب شگفتی است. گیرم که فصد یا زگ‌زدن از زمان بقراط هم مرسوم بوده است. اما چون این روش درمانی مدت‌ها است که به عالم خرافات و موهومات سپرده شده است، احیاء آن خوشایند نیست، چه بسا ممکن است دعوتی برای بکارگیری مجدد آن تلقی شود. البته تکیه دکتر محرابی بر منابع آلمانی از حقوق مسلم ایشان است. اما یک نکته مهم دیگر را آشکار می‌سازد که آن را تنها میهن‌پرستی می‌توان نامید. طبعی که بزرگترین دانشمندان گذشته و حال دچار آن بوده‌اند و هستند. به طور نمونه می‌توان مسئله کشف جریان خون در بدن انسان را مطرح نمود:

جالینوس که خود را تا آخر زندگی یک یونانی و نه یک رومی می‌دانست و به حق بزرگترین آناتومیست تاریخ بود، نتوانسته بود دریابد که خون چگونه از سمت راست قلب به سمت چپ قلب می‌رسد. به ناچار گفته بود که میان دو بطن حفره یا دریچه‌های کوچکی وجود دارند، نظریه‌ای که ابن‌سینا بدون چون و چرا پذیرفته بود. William Harvey انگلیسی بود که در اوایل قرن هفدهم جریان خون به داخل ریه‌ها و سپس به سمت چپ قلب را برای اولین بار به درستی شرح داده بود و هنوز هم این کشف بزرگ بنام وی در منابع رسمی پزشکی ثبت شده است.

در اوایل قرن بیستم بود که یک محقق آلمانی به نام Meyerhof بطور اتفاقی در کتابخانه‌ای در برلین به گزارشی از یک پزشک عربی بنام ابن‌النفیس (۱۲۸۸ - ۱۲۱۰ میلادی) برخورد می‌کند که جریان گردش خون را در بدن بطور کامل، آن هم سه قرن پیش از William Harvey شرح داده بود! این پرسش باقیست که آیا "هاروی" در مسافرت‌هایش به اروپا و مراجعه به کتابخانه‌های پزشکی اروپا متوجه کشف ابن‌النفیس شده بود؟ و ترجیح داده بود که حق تقدیمی برای یک پزشک عربی بجا نیاورد؟ معلوم نیست. اما می‌دانیم که Meyerhof آلمانی پس از خواندن گزارش ابن‌النفیس صریحاً اظهار نظر کرده بود که هیچ پزشک مشرق

زمین قادر به چنین کشف مهمی نمی‌باشد. میهن پرستی و شاید هم نژادپرستی او سر برآورده و قضاوت وی را کور کرده بود. امروز هم می‌بینیم که هر دانشمندی که به نگارش تاریخ جهانی، در هر رشته که باشد، مبادرت ورزد، نخست به دنبال مشاهیر کشور خود می‌رود.

کشش درونی برای یافتن اصل و نسب نیروئی است بسیار قوی. مؤلف آلمانی که کتابش مأخذی برای ترجمه به دست توانای دکتر محرابی قرار گرفته است نیز به همین درد مبتلا شده بود. یعنی از هر پزشک آلمانی که کسی بوده‌است و تعدادشان هم کم نبود، نام برده شده است.

حس میهن‌پرستی در وجود آقای دکتر ولی‌الله محرابی کاملاً آشکار است: بیش از آنچه انتظار می‌رفت در کتاب خود درباره فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی و همچنین پزشکان نامی چند دهه اخیر ما سخن رانده شده است، در حالی که بنظر من لازم است مدت زمانی بگذرد تا مقام و منزلت تاریخی این مؤسسات و این افراد شناخته شود. این نکته مرا می‌رساند به آخرین ایراد درباره کتاب «تاریخ مصور پزشکی جهان» اصولاً چه نیازی به نگارش کتاب تاریخ پزشکی وجود دارد؟ یکی از دوستان گفته بود که ما آنقدر در تمام رشته‌های علمی از غریبان عقب افتاده‌ایم که دلیلی ندارد به گذشته این علم مراجعه کنیم. چه نیازی به این که بدائیم Laurent Joubert قرن شانزدهم که بود و چه کرد؟ یا روش جانداختن شانه دررفته چگونه تکمیل یافت؟ پاسخ به این پرسش بسیار روشن است اما تنها افراد با معرف اهمیت آنرا درک خواهند کرد:

آنان که از گذشته آگاهی ندارند، موقعیت کنونی خود را نمی‌توانند درک کنند. غرور ملی به کنار، آگاهی از گذشته چراغی است برای آینده. حداقل اینکه فرد زود شیفته و دل‌باخته هر آنچه تازه باشد نمی‌شود. سال‌هاست که دانشمندان غرب دریافته‌اند که در پذیرش جوانان برای رشته‌های علمی باید جویای معلومات و اطلاعات داوطلبان از گذشتگان خود شوند. به یاد دارم که چند سال پیش در جلسه امتحان برای پذیرش دستیاران رشته جراحی از داوطلبی پرسیدم که ریشه تاریخی واژه "سزارین" چیست؟ داوطلب با کمال اطمینان به معلومات خود گفت:

"سزارین" یعنی اینکه بیمار سه بار بر سر زار رفته‌است! نیازی نبود که سؤالات دیگری از داوطلب بکنم. بی‌گمان همان داوطلب از هیأت ممتحنه به وزارتخانه شکایت کرده بود که از وی سؤالات بی‌ربط شده‌است و حق او که باید جراح شود پایمال شده است.

به یاد دارم که از یک جوان ایرانی در جلسه امتحانی ورودی به یک دوره تخصصی در آمریکا پرسیده شد که مساحت ایران چقدر است؟ و این سبباً کیست؟ آن پزشک ایرانی از پاسخ درمانده بود و نفهمیده بود که چرا در مصاحبه پذیرفته نشد. واقعیت این است که ما کتاب تاریخ پزشکی جامع و موثقی نداریم. اگر بخواهیم درباره پزشکی ایران اطلاعاتی به دست آوریم ناچاریم به کتاب Cyril Elgood یک نویسنده انگلیسی شصت هفتاد سال پیش مراجعه کنیم. پس کتاب "تاریخ مصور پزشکی جهان با تمام نقائصی که می‌تواند داشته باشد یا ایرادهائی که می‌توان بر آن گرفت از هر جهت خدمت بزرگی است به جامعه پزشکی امروزی کشور ما.

اگر تا کنون پزشکان جوان ما کتابی نداشتند تا آگاهی بیشتری از گذشته رشته علمی خود داشته دریافت کنند، اینک دیگر هیچ بهانه‌ای در این زمینه ندارد که اینک هشت جلد سنگین و شیرین در اختیارشان قرار گرفته‌است.

امید است که یکی از همین جوانان بکار بزرگ دیگری بزند و تاریخ پزشکی میهنش را بنویسد. بداند که میهنش دارای غنی‌ترین گنجینه تاریخ پزشکی جهان است و نیز بداند که آنچه تا کنون درباره تاریخ پزشکی ایران نوشته شده است، یا به دست خارجی‌ان انجام گرفته است یا به صورت مقالات و گزارش‌های جزوه‌های کوتاه متمرکز بر یک دوره زمانی بوده است.

ما شدیداً به یک کتاب جامع تاریخ پزشکی حاوی تمامی تاریخ پزشکی ایران که کاملاً مستند و عینی به دور از تأثیرات و تعصبات ذهنی باشد، نیازمندیم.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی

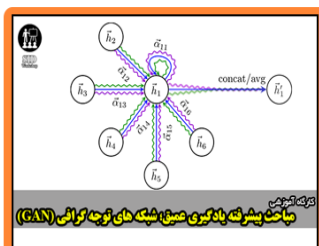


عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی